

جهاد جنگ نه بلکه رسالت است .

نجات کشور در تغییر الگوی حکمرانی و استراتژی یا تکرار افسانه های قدیم ؟

آنچه را که از مطالعه این مقاله دریافت خواهید کرد :

۱ : بسته پیشنهادی چهل گروه سیاسی در آستانه انتخابات " ریأ" ست جمهوری افغانستان !

۲ : مکثی بر پیام های " سیا " سی رهبران اپوزسیون مسلح افغانی

پیوسته به گذشته قسمت چهارم :



نویسنده : محمد

امین فروتن

چنانچه در بخش سوم این یادداشت وعده داده بودم ، تکه های از پیامی را که به امضای جناب گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان و یکی از چهره های ناموری اپوزسیون مسلح کشور ما به مناسبت فرارسیدن عید سعید قربان منتشر شده بود خدمت خواننده گان ارجمند تقدیم کنم که اینک قسمت های از آن پیام را از نظر شما سروران و خواننده گان گرامی مرور می دهم .

* با این توافق نمائیم که نیروهای خارجی تا ۲۰۱۴ بطور کلی خارج شوند.

نیروهای امنیتی با حالت و ترکیب فعلی باقی بمانند، برای هر کدام (اردو، پولیس و امنیت ملی) چنان شورای رهبری با صلاحیت ساخته شود که به این نیروها صبغه ملی بدهند، به نفع کدام گروه، قوم و سمت بکار برده نشود، بطور کامل تحت سیطره و اداره دولت باشد، در شورای رهبری آن چنان کسی نباشد که به نفع یک گروه در مقابل دیگری جنگیده باشد، تناسب قومی در آن مراعات شود، اشخاصی باید از موقعیت های حساس امنیتی دور ساخته شوند که در جنگ هم همراهی روس ها را کرده اند و هم ناتو را و اکنون هم دوام حضور ناتو را می خواهند.

* جنگ در سر تا سر کشور متوقف شود، اگر کسی با تحریک بیگانگان قصد ادامه جنگ را بکند پس همه مشترکاً سعی اقناع او را بنمائیم و او را به دست برداشتن از جنگ آماده سازیم، اگر قانع نشد پس از ملت خواسته شود تا از طریق قیام ملی معضله را حل سازد، این یک حقیقت است که هیچکس در مقابل ملت ایستادگی کرده نمیتواند، اگر ملت از نظام مطمئن شود پس خودش و بدون هر گونه کمک بیگانگان امنیت را آورده میتواند.

* در حکومت چنان تبدیلی ای بیاید که برای همه قابل قبول گردد، حاکمیت دولت باید بر سراسر کشور تأمین شود، در هیچ ولایتی باید حاکمیت شخصی، غیر دولتی و حزبی نباشد، والی، قوماندان امنیه، قوماندانان قطعات اردو و مسئول ریاست امنیت ملی هیچ ولایتی باید باشنده ولایت مربوطه نباشد.

* در شش ماه نخستین سال ۲۰۱۴ انتخابات عادلانه و شفاف صورت گیرد، این انتخابات باید یکبار و همزمان برای ریاست جمهوری، ولسی جرگه و شوراهای ولایتی و بر مبنای تمثیل متناسب باشد: رأی باید برای احزاب و به فهرست و خط مشی اعلان شده از سوی آنان داده شود، طریقه کنونی انتخابات خیلی نادرست، مشکل، غیر عادلانه و نامعقول است، نه با شرایط افغانستان سازگار است و نه ما از عهده مصارف کمرشکن آن بر آمده میتوانیم.

* بمیان آمدن دو یا سه حزب مقتدر و ملت شمول را بحیث یک هدف تعیین نمائیم، تعدد احزاب، بطور خاص موجودیت گروه های خورد خورد محلی و قومی تشنت و تشنج را بمیان میآورد، به وحدت ملی صدمه میرساند، تعصبات قومی و لسانی را بر پا میسازد، احزاب کوچک با هم متحد شوند و حزب بزرگ را بسازند، یا مجموعه انتخاباتی متحد بسازند، یا در کدام حزب بزرگ ملت شمول مدغم شوند.

شاید نویسنده محترم این پیام یا شخصاً جناب حکمتیار صاحب که این طومار گونه وتوام با فتوا های چند جانبه و مبهم را نگاشته اند ، نه میدانند که این نوع سوال ها بدون شک در ذهن عامی ترین افراد این جامعه نیز مطرح شده است ، اگر همه نتوانند اوضاع و احوال کشور و جامعه را با پارامتر های علمی و فورمولبندی های اکادمیک مبتنی بر علم جامعه شناسی اندازه گیری کنند ، اقلأ آواز ها را تشخیص می دهند و حنجره ها را میشناسند ، که به هر حال هرچه هست طبیعی نیست .

خوشبختانه هم مردم امروز آگاه تر و بیدار تر از آنند که با شیوه های لجن مال ساختن و حق گشی مرسوم دردوره ء جهاد که با خرید چند فتوای تکفیر و برپاکردن چند منبری از تفسیق و انتشار چند

شائعه مجعول اتهام و افتراء ، بهترین فرزندان این میهن را جواسیس و مأمور دشمن معرفی میکردند . و بالاخیره به بسیار ساده گی و آسانتر از نوشیدن یک جرعه آب طعمه ء ماهیان دریا ها می شدند و یاهم مجبور به ترک « دارالخلافه هجرت! » می میگرددیدند ! و هم این فتوی فروشان سفارشی و منبرسازان قدرت همه در بستر رنگین و سنگین « امتیازات و شهرک سازی ها» چنان بخواب برده شده و عقل شان ذائل گشته اند که نه میدانند چهره ءای از **یک حقیقت** را چگونه در میان مردم مسخ و وارونه سازند ؟

یکی از بزرگترین دلایل اش اینست که امروزه ، استعمار معاصر و نظام سرمایه داری جهانی برخلاف گذشته نه با ابزار اسلحه و باروت بلکه برای نابودی فرزندان اصیل این مرزوبوم با سلاح چندین برابر تیزتر و مؤثرتر از سلاح گرم و باروت با توزیع « پوند » و « دالر » به صحنه آمده اند . !!

وراستی چه کسی نه میداند که فاجعه کنونی در افغانستان تنها با حادثه معروف یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱ میلادی آغازیده نه شده ، بلکه ریشه های آن در طول تمامی تاریخ خونین و جغرافیای فاجعه خیز، این سرزمین به مشاهده میرسد. و باز هم چه کسی نه میداند که سرزمین آبائی و تاریخی مردم افغانستان به قولی « برشانه های فرزندان خودش به قتلگاه خود و بهترین فرزندان اش رفت !! » یا به قول شاعر: **صیاد پی صید دویین عجبی نیست صید از پی صیاد دو یین عجب آن است !** لهذا آنچه که در افغانستان عزیز میگذرد گرچه با نقشه ای بالاتر از فهم عوام الناس مهندسی شده است اما همین مردم ، حتی عامی ترین آنها نیز میدانند که راه نجات و فلاح شان نه در شبیه سازی های مصنوعی و نه هم در شعار های بدون مصرف و کم هزینه ای دیده میشود که وجدان و شعور نسل کنونی ما را در اسارت گرفته است ، بلکه در شناخت دقیق از فاجعه کنونی و سپس نشانه گرفتن ریشه های اصلی بدبختی و همچنان انتخاب راه واقعی رهایی و آزادی ای انسان است که در جغرافیای بنام افغانستان محکوم به نفس کشیدن و زندگی کردن است . ما در ابتدایی این مبحث نوشتیم و گفتیم که طرحی که بنام طرح جناب آقای حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان برای حل بحران در جامعه ارائیه گردیده و به بهانه حلول عید قربان طی یک پیام سرگشاده انتشار یافته است ، ماهیتاً دارای تناقضات فراوانی میباشد . زیرا در بند نخست این طرح با بسیار ساده گی و بدون ارائیه پاسخ به این پرسش که اخیر چرا و با چه بهانه و دستاویزی این همه کشور های استعماری مجهز به مدرن ترین وسائل و تجهیزات نظامی در یک « ائتلاف نظامی » وارد منطقه شده و به قولی بخاطر یک « دستمال قیطریه را به آتش کشیدند ؟ » . کدام قلب بیمار است که نداند این بار برخی از فرزندان این سرزمین که کوله باری از درد تاریخی ی ،

استبداد، بی عدالتی و بیسوادی را بر دوش میکشیدند، زمینه ساز هجوم بیرحمانه غارتگران بین المللی شدند!! لهذا محتمل است که جناب حکمتیار نویسنده این پیام فتوی گونه ای آخیری که به نام و امضای وی صدور یافته است از این واقعیت درد ناک مستحضر نه شده باشد، اما جان مطلب اینجاست که، در پیام مورد نظر جناب آقای حکمتیار نه تنها به ریشه ها و علل اصلی بحران اشاره نه شده است، بلکه در نزد هر خواننده و شنونده ای که با مناسبات و معادلات دست کم سه دهه اخیر افغانستان آشنائی داشته باشند یک حقیقت تلخ و دردناکی را به نمایش میگذراند که نگاه به بحران روی همان معادلات کلاسیک و بیشتر شرک آلود تقسیم قدرت به اساس « نصف لی و نصف لک!» نگریسته شده است مگر با احترام باید جهت اطلاع نویسنده محترم این پیامی که حاوی نقشه کوتاهی برای نجات از بحران در افغانستان است گفت که خوشبختانه مردم امروز نبض تاریخ و تکامل جامعه را میدانند و به خوبی درک میکنند که برای بیماری مزمن جا معه امروزی چه راه حلهای باید جستجو کرد؟ که با نوآوری ها و پیچیده گیهای روز افزون زندگی بشر دیگر حتی نسخه های مفید تاریخ گذشته نیز اثر گذار نیست. زندگی پیچیده ای امروزی بشر که هر لحظه ای پدیده های نو و تازه ای پیرامون حیاتش را احاطه میکنند، انسان معتقد بر ارزشها بویژه اندیشمندان **موحدی** را که هستی و انسان و همچنان عینیت او در تاریخ و جامعه را در قلمرو یک نظم علمی و به اساس فورمول های فلسفی باور دارند، مؤظف میسازد تا حضور انسان را در هر مقطعی از تاریخ و هر بخشی از جغرافیا، با تحلیل دینامیک از نیازمندی های معاصرش با جوهر آگاهی و خرد هدمندان ای جمعی بازرسی و مرور کند. نباید تعجب کرد که در گرماگرم حرکت سریع السیر و تکاملی بشر امروزی این فرآیند تحقیقاتی و علمی در دین مقدس اسلام که بنام « **اجتهاد جمعی معاصر**» یاد میشود دارای جایگاه خاصی است و هیچگونه مغایرت بارودخانه تاریخ که همه تمدن ها و فرهنگ ها را در سینه خون آلود اش پرورش داده است، ندارد. این عملیه از آنجا در اندیشه های دینی حک گردیده است که در طول تاریخ همه اقوام، ارزشهای اخلاقی و فضیلتی در انطباق با روح عصیانگر و تکاملی جوامع انسانی تغییر میکنند و لزوماً برای هدایت عقلانی این مسیر برداشت تازه و متناسب با آخرین کشفیات انسان باید در مطابقت با شرائط هر جامعه پدید آید. حسنین هیکل یکی از دانشمندان معروف مصری در جایی مینویسد که: « نظر هر کسی نسبت به هر موضوعی نمی تواند بهتر از نوع اطلاعاتی باشد که وی در آن زمینه در یافت میکند، اگر اطلاعات درستی را به او بدهی و سپس او را به حال خود واگذاری، شاید تا مدتی هنگام اظهار نظر اشتباه کند اما امکان اظهار نظر درست تا ابد با او خواهد بود، همچنان اگر اطلاعات نادرست و آکنده از تبلیغات و جعلیات با او برسد دستگاه تفکر و اندیشه اش را یکسره ویران کرده ای و قضاوت اش در باره یک حقیقت بر جعلیات و تبلیغات

بی اساس استوار خواهد بود» می خواستم با اطلاعات اندکی که از نوع بینش جناب حکمتیار دارم به عرض برسانم که چنین پیام های ضد و نقیضی که اخیراً بایک سبک و یک هدف پس از موافقت شبکه های معلوم الحال استخباراتی صادرمی شوند رویکرد تیوریک جناب حکمتیار نسبت به خدا و هستی است که متأسفانه به مثابه تنها قرئت و گفتمان حاکم بر اکثریتی حوزه های علمی کشور های اسلامی سایه انداخته است و کاملاً طبیعی است که ریشه های این قرئت تاریخی در جدار های کهن و مناسبات شرک آلود جاهلی و قبیلوی گذشته لانه کرده و به حکم آنها و به مقتضای شرائط تاریخی و فرهنگی هر جامعه تاجر و سنگواره ای را در جامعه نهاد ینه میسازد!

جهاد جنگ نه بلکه رسالت است :

اکنون بخاطر دریافت علمی و اکادمیک این حقیقت که روح سنگواره ای قرئت متحجرانه از مذهب دامن اکثریت جوامع اسلامی را گرفته است و از سوی دیگر روح حاکم بر این گونه پیام ها را نیز نزد عموم خواننده ها و شنونده ها افشأ و بر ملا سازد ، توجه عموم خواننده گان این نوشتار را به اثری بنام « **بوش دروغجنو پاچا دمفسدینو سالار** » که پس از سرازیر شدن نیروهای خارجی به افغانستان بقلم محترم گلبدین حکمتیار در سه صد صفحه نگاشته و منتشر گردیده است معطوف میدارم . البته جناب آقای حکمتیار که پیام آخیری به وی نسبت داده شده است راجع به مفهوم " جهاد " و مهاجرت در این اثر یعنی « **بوش دروغجنو پاچا دمفسدینو سالار** » بصورت تفصیلی صحبت نموده و کسانی را که به قول وی « عملیات استشهادی » را مرادف با خود گشی میدانند ، آنها را مفتیان سرکاری ای نامیده اند که از اسلام و قرآن هیچگونه آگاهی ندارند و اصلاً اگر بدون قتال درحوزه اقتصادی و فعالیت در دیگر بخش های زندگی را " جهاد " محسوب میکنند در اشتباه اند هرچند که هرگونه تلاش اقتصادی ، و مالی دارای قدردانی است اما مفهوم و ماهیت اصلی « جهاد !! » را که در قرآن کریم با صراحت به حضور یافتن درسنگر عملی نظامی اطلاق یافته است ۲

ادامه دارد

۱: « اجتهاد جمعی معاصر » واژه ایست که در اندیشه های دینی بویژه نزد آنعه دانشمندی که « اجتهاد » ازجنس «اجتماعی» را بزرگترین و مترقی ترین مکانیزم برای انطباق دین اسلام با نیازمندی های عمومی اعم از اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ملتها می شمارند « معاصر » بودن در قلمرو تاریخی و جغرافیای فرآیند اجتهاد را نیز در نظر می گیرند و به آن اهمیت قائل اند

۲: غرض اختصار مطلب به مفهوم گفته های محترم گلبدین حکمتیار منتشره در کتابی بنام « بوش ددرو غجنو پاچا دمفسدینو سالار» اکتفا شده است